پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۳۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۲
صص ۲۸۱-۳۰۴ (مقاله پژوهشی)

No. 33, Autumn & Winter 2023/2024

گونه‌شناسی و تحلیل کارکردهای تفسیری سیاق در تفسیر الأساس و مقایسه آن با اهم تفاسیر ساختارنگر

مینا شمخی[۱]، حمید ایماندار[۲]، جواد شکور[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۷ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳)

چکیده

فهم آیات به وسیله سیاق موضوعی مهم در میان مفسران ساختارنگر است. تفسیر ألأساس سعید حوی به جهت اهمیتش در میان این رویکرد باعث شده تا تعداد دفعات به کارگیری سیاق و گونه‌های آن إحصا گردد و دقت مفسر در برداشت‌هایش نیز مورد سنجش قرار گیرد. این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. حوی از سیاق در ۳۵۷ مورد و ۱۲ کارکرد بهره برده است. رد و پذیرش آراء، کشف ارتباط قصص با غرض و مفاهیم سوره از دهم کارکردهای تفسیری در تفسیر ألأساس هستند. نقل آراء اهم مفسران ساختارنگر در کنار آراء حوی گویای این مطلب است که این مفسران در عین داشتن وحدت رویکرد دارای اختلاف رای می‌باشند. از عوامل موثر در تعدد فهم‌ها می‌توان به عدم توجه کافی به ساختاریابی سوره و انواع سیاق، رجحان دادن مبانی فکری و عقاید مفسر و دیگر اندیشمندان بر سیاق و توجه بسیار حوی به اثبات ارتباط میان محور منتخب هر سوره با آیات آن سوره، اشاره کرد. برخی از موارد مذکور، میان مجموعه تفاسیر ساختارنگر مشترک و برخی نیز خاص تفسیر ألأساس است.

کلید واژه‌ها: سیاق، تفسیر، تفاسیر ساختارنگر، تفسیر ألأساس، سعید حوی.

---

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران؛
m.shamkhi@scu.ac.ir
۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران؛ hamidimandar@yahoo.com
۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)؛
j.shakor@yahoo.com

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری دانشجو است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

۱. بیان مسأله

وجود مسائل در هر عصری زمینه‌ساز نگارش تفاسیری می‌شوند که هدفشان پاسخگویی به آن سوالات است بنابراین باید رویکردی اتخاذ شود که بتوان از طریق آن پاسخ‌های مستدلی ارائه نمود. رویکرد ساختارگرایانه، رویکرد نوپدیدی برای حل این سوالات است. در این رویکرد، هر سوره همچون متنی منسجم و دارای ارتباط نظام مند دیده شده است. همچنین در این رویکرد، سیاق ابزار اصلی مفسر است که سعید حوی از طریق آن علاوه بر وحدت موضوع سور قرآن، قائل به وحدت قرآن نیز شده است (حوی، ۲۱/۱) یکی از کلیدهایی که حوی را به وحدت قرآن رسانده، دیدگاه اوست که براساس آن، سوره بقره را شارح سوره حمد و بقیه سُوَر را شارح سوره بقره می‌داند (همان، ۲۳/۱) وی علاوه بر وحدت سوره و وحدت قرآن، قائل به وحدت برای هر مجموعه سور نیز هست. (همان، ۳۱/۱)

انواع سیاق در این تفسیر با عناوینی همچون السیاق الخاص، السیاق العام (همان، ۸۶/۱) السیاق البعید (همان، ۶۴/۱) کلمة فی السیاق (همان، ۵۰/۱) السیاق القریب (همان، ۵۰۳۱/۹) سیاق المقطع (همان، ۵۳۱۶/۹) السیاق الجزئی (همان، ۹۵۹/۲) السیاق الکلی (همان، ۱۱۷۵/۲) ذکر شده است.

واژه سیاق در تفسیر ألأساس بیش از ۴۱۰۰ بار بکار رفته که ۳۵۷ بار آن جزء کاربست‌های سیاق است. از علل اختلاف کمیت بین دفعات به کار رفتن واژه سیاق با تعداد کاربست‌ها این است که به همان میزان که در عناوین بیان شده در فهرست مطالب نیز تکرار شده است.

پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی به احصاء، در پی شناسایی گونه‌شناسی و تحلیل کاربست‌های سیاق در تفسیرالاساس و یافتن تفاوت آنها با اعم تفاسیر ساختار گرد است.

۲. مقدمه

قبل از پرداختن به اصل مقاله بیان چند نکته ضروری است:

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

۲-۱. اهمیت موضوع

با توجه به کارکردهای متعددی که برای سیاق وجود دارد و تفسیر ألأساس نیز از اهم تفاسیر این حوزه به شمار می‌رود ضرورت دارد تا جایگاه سیاق در این تفسیر از طریق شمارش دفعات به کار رفته آن و گونه‌شناسیشان بررسی شود و با تحلیل برداشت‌های مفسر در تطبیق با آراء مفسران ساختارنگر، اهمیت سیاق در فهم مراد آیات بصورت عام و نکته سنجی مفسر در بهره‌مندی از سیاق نیز بصورت خاص روشن گردد.

۲-۲. پیشینه پژوهش

از آثار مرتبط با این پژوهش به موارد ذیل می‌توان اشاره نمود:

الف. مقاله «رهیافت وحدت موضوعی سوره‌های قرآن در الاساس فی التفسیر» اثر سید علی آقایی که در سال ۱۳۸۷، شماره ۵۶ در مجله پژوهش‌های قرآنی منتشر شده است در این مقاله به تشریح نظریه حوی – وحدت قرآن– پرداخته است.

ب. مقاله «بررسی دو نگرش سعید حوی و علامه طباطبایی در تناسب و پیوستگی آیات و سوره‌ها» اثر اعظم پرچم که در سال ۱۳۹۰ق، شماره ۲ در مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث انتشار یافته است به بررسی روش دو مفسر در اثبات انسجام آیات قرآن پرداخته است.

ج. مقاله «بررسی و نقد نظریه وحدت موضوعی حوی در تفسیر سوره احزاب» اثر معصومه رحیمی که در سال ۱۳۹۳، شماره ۱۰ در مجله کتاب قیّم چاپ شده است در این مقاله به ارزیابی محور انتخاب شده با آیات سوره احزاب و تناسب آیات سوره پرداخته است.

د. مقاله «ضابطه‌مندی تفسیر ساختاری در تفاسیر المیزان، ألأساس فی القرآن و فی ظلال القرآن (مطالعهٔ تطبیقی سورهٔ شوری) اثر طلعت حسنی که در سال ۱۳۹۷، شماره دوم در مجله پژوهش‌های تفسیر تطبیقی منتشر شده، به بررسی نحوه دستیابی سه مفسر به غرض سوره پرداخته که از این تطبیق، ضابطه‌مند بودن تفسیر ساختاری را نتیجه گرفته و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

دلیلش را یکسان بودن غرض هر سه مفسر از آن سوره دانسته است. در تفاوت آثار پیشینه‌ای با پژوهش حاضر می‌توان گفت:

پژوهش حاضر مشتمل بر دو بخش است یکی إحصا و عنوان‌بندی کارکردهای سیاق در تفسیر ألأساس. علت انجام این بخش از تحقیق ذیل هر تفسیر ساختارنگر بدین جهت است که تمایز هر کدام با دیگری از نظر تعداد دفعاتی که مفسر از سیاق بهره برده و موضوعاتی که ورود داشته مشخص شود و بخش دوم، آنالیز مطالعه موردی از هر کاربست با تطبیق بر اقوال اهم مفسران ساختارنگر است که ۲۲ تفسیر را شامل می‌شود. هدف از این قسمت، سنجش برداشت‌های حوی است که با ذکر اقوال مفسران هم مجموع آراء مفسران هم‌رویکرد استقصاء می‌شود هم با توجه به نتیجه هر مورد، نظرات مفسران نیز مورد ارزیابی قرار می‌گیرد بنابراین با توجه به پیشینه‌های ذکر شده چنین تحقیقی صورت نگرفته است ضمن اینکه در مورد دیگر تفاسیر غالبا به گونه‌شناسی بدون تحلیل کارکردهای سیاق پرداخته اند که این مورد نیز وجه تمایز این تحقیق با دیگر تالیفات هم محور خود است.

تفاسیر محوری این پژوهش: ۱- المیزان ۲- تفسیر نمونه ۳- مجمع البیان ۴- أحسن الحدیث ۵- ألتفسیر الحدیث ۶- ألتحریر و التنویر ۷- تفسیر المراغی ۸- کشاف ۹- مفاتیح الغیب ۱۰- الفرقان ۱۱- المنار ۱۲- نظم الدرر ۱۳- روح المعانی ۱۴- نفحات الرحمن ۱۵- المنیر زحیلی ۱۶- من وحی القرآن ۱۷- التفسیر الوسیط زحیلی ۱۸- من هدی القرآن ۱۹- التفسیر الوسیط طنطاوی ۲۰- پرتوی از قرآن ۲۱- التفسیر البنائی ۲۲- تسنیم.

۲-۳. تعریف مفاهیم

۲-۳-۱. مفهوم لغوی و اصطلاحی سیاق

سیاق در لغت معانی مختلفی برایش ذکر شده است از جمله: راندن، به حرکت در آوردن، سوق دادن چارپایان، رشته پیوسته، تابع، اسلوب و روش (ابن فارس، ۱۱۷/۳؛ ابن منظور، ۱۶۶/۱۰؛ طریحی، ۱۸۷/۵؛ فیومی، ۲۹۶/۲) با بررسی معانی ذکر شده می‌توان

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

گفت سیاق حول مفهوم واحدی است و آن تتابع و توالی، جمع و اتصال و ارتباط و تسلسل است. اما در اصطلاح قرآنی‌اش، ساختار کلی است که بر مجموعه‌ای از کلمات، جملات و یا آیات سایه می‌افکند و بر معنای آنها اثر می‌گذارد (رجبی، ۹۲) به عبارتی نگاه جامعی است که پیوستگی را به ارمغان دارد.

۳. کارکردهای تفسیری سیاق در تفسیر ألأساس و تطبیقشان با مهم‌ترین تفاسیر ساختارنگر

حوی از سیاق در مباحث مختلف بهره برده است ولی با توجه به کثرت مطالب، کاربستهای تفسیری، نقل و نقد خواهد شد.

۳-۱. تعیین خطاب

خطاب‌های قرآن در مواردی به دلیل عدم صراحتشان سبب ایجاد تعدد رای در میان مفسران شده است. سیاق ازجمله روش‌های قابل اطمینان در حل این نوع اختلافات تفسیری است که حوی در ۸ مورد براساس سیاق به دنبال فهم خطاب آیات بوده است.

۳-۲. تعیین خطاب آیه (وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ ....) (النساء، ۵)

۳-۲-۱. مساله در تفسیر ألأساس

حوی خطاب در «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ» (النساء، ۵) را متوجه اولیای سفهای یتیم و غیر یتیمی می‌داند که توانایی مدیریت مال را ندارند. اگر خطاب به اولیا باشد با ضمیر خطاب در «أَمْوَالَكُم» قابل جمع نیست زیرا اموال متعلق به سفهاست و باید «أَمْوَالَهُم» گفته می‌شد. حوی علت آمدن ضمیر خطاب به جای ضمیر غائب را اینگونه توجیه می‌کند که هرچند اموال به سفها تعلق دارد ولی از آن جهت که اولیا، سرپرست و مراقبشان هستند منعی برای آمدن ضمیر خطاب وجود ندارد پس ترجمه چنین می‌شود: ای اولیای سفهیان یتیم و غیریتیم که توانایی مدیریت اموالشان را ندارند آن را در اختیارشان قرار ندهید. (حوی، ۹۹۷/۲-۹۹۸)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

۳-۲-۲. مساله در تفاسیر ساختارنگر

دو خطاب کلی مد نظر مفسران بوده است یکی خطاب به اولیاء و دیگری خطـاب عـام که هر کدام در دسته‌های جزیی‌تر قرار می‌گیرند.

۳-۲-۲-۱. خطاب به اولیاء

خطاب به اولیاء، مشتمل بر سه زیر مجموعه می‌شود:

الف: اولیای سفهای ایتام (مکارم شیرازی، ۲۶۷/۳-۲۷۰؛ طبرسـی، ۱۳/۳؛ طباطبـایی، ۱۷۰/۴-۱۷۳؛ بستانی، ۳۰۱/۱؛ زمخشری، ۴۷۱/۱؛ آلوسی، ۴۱۱/۲؛ فضل‌الله، ۷۵/۷-۷۶ و ۸۰)

ب: اولیای سفهای ایتـام و زنـان (مراغـی، ۱۸۵/۴-۱۸۶؛ فخـر رازی، ۴۹۴/۹-۴۹۵؛ نهاوندی، ۱۷۳/۲-۱۷۴؛ زحیلی، ۲۴۸/۴؛ طالقانی، ۲۰/۶-۲۳)

ج: اولیای عامه سفهاء یعنی تمام سفهایی که قادر به تصرف در اموال بصـورت صـحیح نیستند (جوادی آملی، ۳۲۵/۱۷؛ مدرسی، ۲۳/۲-۲۴؛ زحیلی، ۲۸۶/۱؛ ابن‌عاشور، ۲۵/۴؛ قرشی بنابی، ۲۸۱/۲).

۳-۲-۲-۲. خطاب به عموم

خطاب عام نیز بدین جهت که مرادشان از واژه عام یکسان نبوده در چهار زیـر شـاخه قرار می‌گیرند:

الف: عام مردم (صادقی تهرانی، ۲۱۵/۶-۲۲۲)

ب: هر صاحب مالی (دروزه، ۲۲/۸-۲۳)

ج: اولیاء و ازواج (بقاعی، ۲۱۵/۲-۲۱۶؛ طنطاوی، ۴۰/۳-۴۱)

د: اولیاء و افراد واجب النفقة (رشیدرضا، ۴۳۶/۲)

آراء مذکور به تناسب مجموع افرادی که شامل می‌شوند یعنی نباید مالی کـه متعلـق بـه خودشان یا سفهاست را در اختیار سفهای ممنوع التصرف در اموال قرار دهند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

۳-۲-۳. تحلیل مساله

تمام مفسران واو آیه محل بحث را عطف دانسته‌اند اما اینکه عطف به کجا باشد محل اختلاف است بنابراین با بررسی تعداد حالاتی که می‌تواند عطف صورت گیرد فهم خطاب مشخص شود.

۳-۲-۳-۱. خطاب به اولیای سفهای زنان

اگر عطف به (النساء، ۴) شود در این حالت خطاب به اولیای سفهای زنان می‌شود ولی ضمیر هُم در «وَارْزُقُوهُم» با زنان مناسبت ندارد.

۳-۲-۳-۲. خطاب به اولیای سفهای ایتام و زنان

اگر عطف به (النساء، ۲ و ۴) باشد در این حالت خطاب به اولیای سفهای ایتام و زنان می‌شود یعنی ای اولیاء، اموال ایتام و مهر زنانی که صلاحیت تصرف در مال و مهر خود را ندارند، ندهید در واقع استثناء دو امر ما قبل است اما در (النساء، ۶) شروط دفع اموال را بیان می‌کند ولی فقط از ایتام نام می‌برد اگر این شروط مطلق بود و فقط از ایتام یاد نمی‌شد امکان پذیرش این رای وجود داشت زیرا در این حالت مهریه زنان را شامل نمی‌شود.

۳-۲-۳-۳. خطاب به عام مردم

حالت دیگر اینکه هر آیه فقط با واو به یکدیگر عطف شده باشد در نتیجه هر کدام خطاب مربوط به خود را دارد مگر قرینه‌ای دال بر تخصیص آن باشد. حال که در ظاهر تخصیصی وجود ندارد پس خطاب متوجه عموم مردم است.

وقتی خطاب عام باشد پدران بخشی از این خطاب می‌شوند پدری که موظف است نفقه فرزندش را بدهد در این صورت، فیها در «وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا» چه مناسبتی دارد؟ برای این سوال سه وجه بیان می‌شود:

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

الف: اگر فی به معنای مِن باشد یعنی پدر از مال خویش نفقه فرزندش را بدهد بـه نظـر می‌رسد ضرورتی در بیانش نباشد زیرا پدر موظف است از مال خویش نفقه را بپردازد اگـر هم مالی نداشته باشد که این وظیفه از او ساقط می‌شود.

ب: اگر «فی» به این معنا باشد که در اموالت تجارت کن و از سودش نفقه فرزنـدت را بپرداز. دو نکته در مورد این نگاه می‌توان بیان داشت یکی اینکه زمانی نفقه برعهـده کسـی قرار داده می‌شود که سفیه در مدیریت مال نباشد در نتیجـه پـدر کـه موظـف بـه تـامین و پرداخت نفقه شده بدین منظور است که او قدرت مدیریت مال که یک بخش آن افزودن بـه اصل مال باشد را داراست نکته دوم اینکه این وجه برای حالتی که مال سفیه در اختیار ولی باشد می‌تواند صحیح باشد از این‌رو که به او تاکید شود که مال او را مال خودت فرض کن و از سودش مایحتاجش را تامین کن و از اصل مال به او نده تا زمانی که رشد یافت اصـل مال باقی باشد تا در اختیارش قرار گیرد.

مسائلی که پیرامون پدر با تکیه بر فیها بیان شد در مورد صاحب مال که موظف نیسـت نفقه هر سفیهی را بدهد نیز برقرار است حتی اگر «**ارْزُقُـوهُم**» بـه ایـن معنـا باشـد کـه ای صاحب مال در تامین مایحتاج سفها کمک کن تا فقیری در جامعه نباشد باز همان سوالاتی که در مورد پدر گفته شد وجود دارد بنابراین خطاب نمی‌تواند عام باشد.

۳-۲-۳-٤. خطاب به اولیای سفهای ایتام و رای منتخب

اگر عطف به (النساء، ۲) باشد خطاب آیه متوجه اولیای سفهای ایتام می‌شود یعنی ایـن آیه تخصیص حکم آن آیه است. در این حالت چند سوال وجود دارد.

الف: اگر اموال متعلق به سفهای ایتام باشد آمدن ضمیر خطاب بجای غائب آیـا ممکـن است؟ در «**وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ**» (النساء، ۲۹) مراد نهی از کشتن یکـدیگر اسـت نـه نهـی از خودکشی پس ضمیر خطاب می‌تواند به جای ضمیر غائب بیاید.

ب: چه عللی در آیه محل بحث وجود دارد که بتوان با استناد به آن آمدن ضمیر خطاب در «**أَمْوَالَكُم**» را توجیه نمود؟ چندین وجه می‌توان برایش متصور شد از جمله اینکه: مـال

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

در اختیار ولیّ است- ولیّ حق تصرف در اموال را دارد- سفها فقط جنبه مصرف دارند اما زحمت اصلی بر دوش اولیاست- مالی که اصالتا متعلق به سفیهان است اگر صحیح مصرف نشود جامعه نیز ازین امر متضرر می‌شود به عبارتی مال سفیه مربوط به آحاد جامعه است. نکاتی که برای آمدن ضمیر خطاب ذکر شد برای «لَکُم» نیز می‌تواند صادق باشد.

ج: در این حالت که خطاب متوجه اولیای سفهای ایتام دانسته شده وجه آمدن «فِیهَا» در «وَارْزُقُوهُمْ فِیهَا» این است که از سودش مایحتاج را تامین کنید که این برداشت با آیه بعد نیز مناسبت دارد که شرط دفع اموال به ایتام را بیان می‌کند یعنی اصل مال باقی بماند تا زمانیکه به رشد برسد.

د: ذیل آیه نیز امر به قول معروف با سفها شده است که این نوع کلام با یتیم مناسبت دارد پس این خطاب می‌تواند صحیح باشد.

در نهایت با توجه به آنچه بیان شد به نظر می‌رسد خطاب متوجه اولیاء سفیهان از ایتام باشد ولی حوی خطاب را به اولیای سفهای یتیم و غیریتیم بازگشت داده است این وجه زمانی می‌تواند صحیح تلقی شود که خطاب عام باشد در حالیکه خطاب متوجه ولی است که در این حالت با توجه به تعداد حالات عطفی که بررسی شد سفها شامل عموم سفیهان نمی‌شود.

۳-۳. کشف مراد واژه

فهم مراد واژه از مهمترین مسائل در بحث ترجمه و تفسیر آیات است. برخی کلمات به دلیل تعدد معنا، کارکردهای وصفی و اضافی و... باعث اختلاف در فهم میان محققان گردیده است. توجه به سیاق کمک می‌کند تا به فهم مراد گوینده از واژه رسید. حوی در ۲۳ مورد برای فهم معنا و مراد واژه از سیاق استمداد جسته است.

۳-٤. معنای واژه قرائت در آیات نخستین سوره علق

۳-٤-۱. مساله در تفسیر ألأساس

حوی بر این عقیده است که براساس سیاق مراد از قرائت، خوانش و مطالعه هستی بر

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

اساس تفکر و تامل است در نتیجه مفهوم آیه نخست اینگونه می‌شود: هستی را بـا تفکـر و تامل به نام خدایی که آن را آفرید مطالعه کن؛ و آیه سوم نیز چنـین مـی‌شـود: هـر کسـی هستی را با نام خدا مطالعه کند پس بر خداست که او را گرامی بدارد (حوی، ۱۱/ ۶۶۰۱).

۳-٤-۲. مساله در تفاسیر ساختارنگر

این اقوال در دو دسته قرار می‌گیرند یکی آراء ذیل آیه نخست (العلق، ۱) و دیگری آیه سوم (العلق، ۳).

۳-٤-۲-۱. معانی واژه قرائت در آیه نخست

مفسران سه دیدگاه در مورد معنای قرائت در آیه (العلق، ۱) بیان کرده‌اند:

الف: خواندن (طبرسی، ۷۸۰/۱۰؛ مکارم شیرازی، ۱۵۵/۲۷؛ صادقی تهرانی، ۳۶۲/۳۰؛ فخر رازی، ۲۱۵/۳۲؛ نهاوندی، ۵۲۷/۶؛ ؛ بقاعی، ۴۸۰/۸؛ ابن‌عاشور، ۳۸۵/۳۰؛ طالقـانی، ۱۷۸/۴؛ مراغـی، ۱۹۸/۳۰؛ زمخشـری، ۷۷۵/۴؛ آلوسـی، ۴۰۰/۱۵؛ زحیلـی، ۳۰/ ۳۱۶؛ فضل الله، ۳۳۳/۲۴؛ زحیلی، ۲۹۰۲/۳؛ مدرسی، ۲۱۹/۱۸؛ طنطاوی، ۱۵/ ۴۵۳)

ب: تلقی و دریافت وحی (طباطبایی،۳۲۳/۲۰؛ قرشی بنابی، ۲۹۰/۱۲)

ج: خواندن با تلفظ و بدون تلفظ (javadi.esra.ir جلسه اول تفسیر سوره علق).

۳-٤-۲-۲. معانی واژه قرائت در آیه سوم

در آیه (العلق، ۳) معنای جدیدی ذکر نکرده اند و صـرفا بـرای علـت تکـرار ایـن واژه وجوهی گفته‌اند از جمله:

الف: مراتب تکمیل قرائت (طالقانی، ۱۸۰/۴)

ب: تکرارِ خواندن باعث می‌شود قرائت برای پیـامبر ملکـه گـردد (زحیلـی، ۲۹۰۲/۳؛ مراغی، ۱۹۹/۳۰؛ زحیلی، ۳۱۷/۳۰)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

ج: وجوب قرائت را می‌رساند و مقدمه‌ای است نسبت به آنچه در ادامه می‌آید (آلوسی، ۴۰۲/۱۵)

د: اندیشیدن در ابعاد قرائت (مدرسی، ۲۲۱/۱۸)

هـ: تاکید بر ادامه دادن به خواندن (طنطاوی، ۴۵۴/۱۵؛ ابن‌عاشور، ۳۸۷/۳۰)

و: قرائت در آیه نخست، خواندن برای خود و در این آیه برای دیگران خواندن و تبلیغ کردن است (طبرسی، ۷۸۱/۱۰؛ نهاوندی، ۵۲۸/۶)

ز: تاکید بر اندیشیدن (فضل‌الله، ۳۳۴/۲۴)

ح: پاسخی است به این قول پیامبر که فرمود من قاری نیستم چرا که در این آیه می‌فرماید از برکت پروردگار بزرگوارت قادر به تلاوتی (مکارم شیرازی، ۱۵۷/۲۷)

ط: تاکید همان قرائت آیه نخست است و معنا همان معناست چرا که قیدی دلالت بر تغییر نیامده است (طباطبایی، ۳۲۴/۲۰)

ی: خدایی که به بهترین وجه تربیت و تأدیب می‌کند تو را به قرائت امر می‌کند هر چند قاری نباشی چنین خدایی قادر است تو را قاری نماید (بقاعی، ۴۸۱/۸-۴۸۲).

۳-٤-۳. تحلیل مساله

برای فهم معنای واژه قرائت ابتدا نظر لغویون ذکر و پس از آن با تکیه بر سیاق مفهوم آن مشخص می‌شود.

۳-٤-۳-۱. معانی واژه قرائت از نظر لغویون

قرائت در لغت یعنی جمع کردن، منضم و پیوسته کردن (طریحی، ۳۳۶/۱؛ فیروزآبادی، ۳۱/۱؛ ابن‌منظور، ۱۲۹/۱؛ ابن اثیر، ۳۰/۴؛ راغب اصفهانی، ۶۶۹) برخی نیز معتقدند قرء، در اصل یعنی فهم و ثبت معانی کتابت شده با چشم مادی یا معنوی (مصطفوی، ۲۱۹/۹).

وقتی گفته می‌شود قَرَأْتُ الشّیء: جمعتُه و ضممتُه بعضه الی بعض (قرشی، ۲۶۰/۵) بنابراین قراتُ الکتاب یعنی اجزای این کتاب را که متشکل از حروف و کلمات است جمع

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

کردم و کلمات را با یکدیگر منضم کردم. این جمع کردن حروف و کلمات که در ذهن اتفاق می‌افتد با تلفظ یا بدون تلفظ باشد بر هر دو قرائت اطلاق می‌شود. حالت دیگر این است که این حروف و کلمات را در ذهن مخاطب جمع کنیم چه آن را تلفظ کند یا نکند. بر این دو حالت نیز قرائت اطلاق می‌شود (طباطبایی،۳۲۳/۲۰) پس در مجموع، کلمه قرائت بر اساس معنای لغویش، چهار حالت دارد.

۳-٤-۳-۲. فهم معنای واژه قرائت و رای منتخب

آیات قرآن توسط روح الامین بر قلب پیامبر نازل شده است (الشعراء، ۱۹۳-۱۹۴) بنابراین از میان چهار وجهی که برای این واژه بیان شد وجوه سوم و چهارم باید ارزیابی شوند.

اگر مراد تلقی بدون تلفظ باشد (وجه سوم) می‌بایست واژه دیگری طبق آیه «إِنَّکَ لَتُلَقَّى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ» (النمل، ۶) بیان می‌شد بنابراین «اقْرَأْ» یعنی وحی را دریافت و تلفظ کن (وجوه سوم و چهارم).

به نظر می‌رسد واژه قرائت در (العلق، ۳) از باب تاکید باشد زیرا قرینه‌ای دال بر معنای جدید، نیست. در نتیجه معنایی که حوی اختیار کرده برداشت شاذی است که با سیاق تطابق ندارد.

۳-۵. کشف ارتباط قصص با غرض و مفاهیم سوره

فهم ارتباط میان داستان‌ها با مفاهیم و غرض هر سوره، سبب فهم دقیق، حکمت تکرار و ذکر هر بخش از آنها در سُوَر مختلف می‌شود در نتیجه این کاربست سیاق آثاری عمیق بر خواننده قرآن ایجاد می‌کند. این موضوع طی دو مرحله انجام می‌شود: یکی کشف غرض سوره که با ساختارشناسی و سیاق یابی صورت می‌گیرد که نتیجه‌اش روشن شدن ارتباط داستان سوره با مفاهیم هم‌جوارش است و دیگری ارتباط داستان با غرض سوره است که پس از مرحله اول محقق می‌گردد. حوی در ۲۱ مورد به دنبال کشف این ارتباط بوده است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

۳-۶. ارتباط داستان لقمان با مفاهیم و غرض سوره لقمان

۳-۶-۱. مساله در تفسیر ألأساس

حوی معتقد است غرض سوره، هدایت به وسیله قرآن است (حوی، ۴۳۵۱/۸) و داستان لقمان در حالی بیان می‌شود که سخن از قرآن حکیم است که مایه هدایت و رحمت برای نیکوکاران است. بیان توصیه‌های حکیمانه در این سیاق دلالت بر حکیم بودن قرآن دارد. آیات، نشانگر ارتباط میان نیکوکاری با عبادت، معاشرت با والدین، همکاری با اهل ایمان است و میانه روی در رفتار، آرام سخن گفتن، مظاهر نیکوکاری و هدایتند. از دیگر مظاهر حکمت قرآن بیان مراد به طرق مختلف از جمله داستان است که در این سوره وجود دارد. ضمنا این آیات وسیله سنجش است تا از طریق آن حکمت حکما را مورد سنجش قرار دهیم و با کسی که خدا به او توفیق و حکمت داده است آشنا شویم (همان، ۴۳۲۷/۸).

۳-۶-۲. مساله در تفاسیر ساختارنگر

آنهایی که قائل به وحدت غرضند غرض سوره را ذکر و ارتباطش را با داستان لقمان بیان کرده‌اند و آنانی که قائل به تعدد غرضند یا به صراحت غرضی را ذکر نکرده‌اند وجه ارتباط داستان لقمان با مفاهیم سوره را متذکر شده‌اند.

۳-۶-۲-۱. قائلان به وحدت غرض

مجموع آنچه گفته شده ذیل پنج دسته قرار می‌گیرند:

الف: حکیم بودن قرآن: آیات قرآن حکیم است و تبعیت از شخص حکیم سبب نجات از ظلمت و ضلالت می‌شود (فخر رازی، ۱۱۵/۲۵ و ۱۱۸)

ب: حکیم بودن قرآن: داستان لقمان حکمت قرآن را اثبات می‌کند (بقاعی، ۳/۶)

ج: حکمت خدا: عطا کردن حکمت به لقمان با موضوع سوره مناسبت دارد (مدرسی، ۱۱۵/۱۰)

د: حکمت: داستان لقمان در باب حکمت است که به او عطا شده است و با موضوع

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

سوره نیز دارای ارتباط است (بستانی، ۴۳۰/۳ و ۴۳۸؛ زحیلی، ۱۲۹/۲۱)

ح: انقلاب عقیدتی و اخلاقی قرآن: در این داستان از نظر اعتقادی با شرک مخالفت شده و از نظر اخلاقی دستور به تبعیت از انسان صالح داده شده است (صادقی تهرانی، ۲۱۰/۲۳).

۳-۶-۲-۲. قائلان به تعدد غرض

دو وجه برای ارتباط داستان با مفاهیم سوره ذکر کرده‌اند:

الف: داستان لقمان در برابر لهو الحدیث است که در سوره ذکر شده و هدف از آن، بودن در مسیر مستقیم است (جوادی آملی، ۸۶/۶۵؛ مکارم شیرازی، ۶/۱۷؛ قرشی بنابی، ۲۴۷/۸ و ۲۵۶؛ ابن‌عاشور، ۸۷/۲۱ و ۹۵؛ فضل‌الله، ۱۷۴/۱۸-۱۷۵؛ آلوسی، ۸۲/۱۱؛ طباطبایی، ۲۱۴/۱۶)

ب: این داستان در برابر عقاید مشرکان است و این عقاید از طریق حکمت و عقل سدید قابل رد است زیرا لقمان نشان داد می‌توان با حکمت در صراط مستقیم بود هر چند دارای مقام نبوت نباشی (زحیلی، ۳/ ۲۰۲۳).

۳-۶-۳. تحلیل مساله

آراء مفسران در بیان غرض سوره و ارتباط داستان با مفاهیم سوره نیاز به سنجش دارد ازین رو لازم است ابتدا غرض مشخص شود سپس مجموع اقوال ارزیابی شوند.

۳-۶-۳-۱. غرض سوره و ارتباط داستان لقمان با آن

صدر سوره در مورد تبعیت از قرآن حکیم است که مایه هدایت و رحمت برای نیکوکاران است بنابراین تابعان آن در دنیا و آخرت سعادتمندند که لقمان از جمله افرادی است که مطیع اوامر و نواهی الهی بوده و هدایت و رحمت نصیبش شد. نشانه‌اش، رسیدن به مقام حکمت در دنیا و ورودش به بهشت به دلیل ایمان و عمل صالحش است که شروط

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

ورود به آن ذکر شده است اما در مقابل از کسانی سخن به میان آمد که از تبعیت کلام پروردگار سر باز زدند و به دنبال سخنان بی‌مایه رفتند در نتیجه نه از دنیا بهره کامل و صحیح را بردند و نه در آخرت جایگاه نیکی خواهند داشت پس از آن از آفریده‌ها و امدادهای الهی صحبت می‌شود که علاوه بر حکیمانه بودن بناست تا مایه عبرت برای همگان جهت گام نهادن در مسیر هدایت باشد از این‌رو باب توجیه برای کسانی که در این وادی قدم نگذاشتند مسدود می‌شود در نتیجه می‌توان غرض سوره را اوصاف و نتایج تابعان قرآن حکیم و سخنان بیهوده نامید.

علاوه بر توضیحاتی که پیرامون لقمان گفته شد و ارتباطش با غرض و سیاق مشخص گردید وجه دیگر تناسب این است که ذکر مقام و جایگاه دنیوی لقمان و نیک عاقبتی اش در واقع ذکر مصداق عینی بر صحت وعده خداست تا تابعان طریق حق با ذکر این نمونه شک به دل راه ندهند و عامل انگیزه جهت دخول و ماندن در صراط هدایت و اتمام حجتی باشد با آنان که آیات و امدادهای‌های الهی را متوجهند ولی به مسیر حقیقت روی نمی‌آورند. اکنون که غرض سوره مشخص شد و ارتباط داستان لقمان با آن تبیین گردید دو مساله قابل بیان است:

الف: غرض هر سوره بایستی مفاهیم کلی سوره را پوشش دهد و با غرض سوره‌های دیگر تفاوتش مشخص باشد اما آنچه حوی و دیگر مفسران به عنوان غرض سوره از آن یاد کرده‌اند عناوین کلی هستند که در سور دیگر نیز به آن اشاره شده است به همین دلیل نمی‌توان آنها را به عنوان غرض سوره به حساب آورد.

ب: آنچه در باب ارتباط قصه لقمان با مفاهیم سوره ذکر کرده‌اند با سیاق دارای تناسبند اما حوی، صرفا به ارتباط آیاتی که توصیه‌های لقمان در آن آمده پرداخته و از مناسبت میان نام لقمان با مفاهیم سوره سخنی نگفته است.

۳-۷. تبیین مفهوم آیات

تبیین مفهوم آیات از جمله کاربست‌های سیاق است که بسیار مورد توجه مفسران

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

ساختارنگر بوده است و مراد این است که مفسر بنا دارد با توجه به سیاق، مجموعه مفـاهیمِ ظریفی که از آنها استنباط می‌شود را کشف نماید. این مورد نسبت بـه مـوارد سـابق، نگـاه کلی‌تری دارد. حوی در ۱۷۴ مورد از این کاربست سیاق بهره برده است.

۳-۸. مفاهیم مستخرج از آیات (طه، ۳ و ٤٤)

۳-۸-۱. مساله در تفسیر ألأساس

حوی از ارتباط میان آیات آغازین سوره طه که علت نزول قرآن را پند گرفتن کسـانی دانسته که از خدا خشیت دارند (طه، ۳) و از اینکه موسی مکلف شد تا فرعون را به سـوی خدا فراخوانَد (همان، ۴۴) این نکته را برداشت کرده کـه نـزول قـرآن بـر محمـد در واقـع استمرار سنت الهی در ارسال پیامبران است پس قرآن وحی الهی است که بـر پیـامبر نـازل شده است همانطور که خدا وحیش را بر پیامبران غیر از او نیز نازل کرد. بنابراین پیـامبران امت واحدند، وحی و هدف نیز واحد است بدین سبب مومن به تمام وحی ایمـان مـی‌آورد. در نهایت مراد آیه این است که سنت پیامبران در راستای یکـدیگر اسـت و آن دعـوت بـه سوی پروردگارست چرا که همه فرستادگان به منبع واحد متصلند (حوی، ۳۳۶۱/۷).

۳-۸-۲. مساله در تفاسیر ساختارنگر

مفسران ساختارنگر معمولا به مباحثی غیر از آنچه حوی ذیـل ایـن آیـه متـذکر شـده پرداخته‌اند چرا که این کاربست در عین توجه بسیار مفسـران تفـاوت‌هـایی دارد از جملـه اینکه که امکان دارد ذیل آیات دیگر از ایـن کاربسـت بهـره بـرده یـا بـه نکـاتی غیـر از استنباطات مفسر مدنظر پژوهش رسیده باشند به همین جهت مفسرانی که در ایـن کـارکرد ذکر نموده‌ایم به نسبت موارد دیگر کارکردها کمتر است.

برخی مفسران هدف از بعثت پیامبران، خاصهٔ موسی در برابر فرعون را متذکر شدن غفلت فرعون در برابر ربوبیت الهی، بندگی خالق و ترسانیدنش از مجازات الهی (طبرسـی، ۲۰/۷) و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

برخی هدف پیامبران از دعوت را حصول هدایت دانسته‌اند (ابن‌عاشور، ۱۲۴/۱۶). خلاصه کلام دو مفسر، همان دعوت مردم به سوی خدا و فرجام نیک است که حوی بیان کرده است. بستانی نیز همچون حوی به دنبال ارتباط میان داستان موسی و مقدمه سوره بوده ولی به نکاتی غیر از آنچه حوی بدان پرداخته توجه داشته است (بستانی، ۱۱۴/۳-۱۱۵).

۳-۸-۳. تحلیل مساله

حوی از وحدت موضوع قرآن و موسی که فراخواندن مردم به سوی پرودگار است وحیانی بودن قرآن، یکسان بودن وحی نازله بر پیامبر با دیگر انبیاء را نتیجه گرفته حال آنکه این برداشت‌ها از آیات دیگر سور از جمله اینکه وحی بر پیامبران نازل می‌شده (النحل، ۴۳) دارای وحدت هدفند (النحل، ۱۲۳) و کلیات اوامر و نواهی ادیان الهی یکسان است (الزمر، ۶۵) قابل اثبات است نه صرف وحدت هدف؛ چه بسا ممکن است مدعیانی با هدفی به ظاهر یکسان باشند ولی به منبع وحی متصل نباشد. ضمن آنکه هر پیامبری می‌بایست هدفش دعوت به سوی توحید باشد زیرا اگر غیر از این باشد با مقام نبوت سنخیت ندارد بنابراین آنچه حوی بیان داشته با آیات دیگر اثبات می‌شود زیرا از این دو آیه وحدت نگاه قابل برداشت است.

۳-۹. رد و پذیرش آراء

در تفاسیر ساختارنگر، سیاق محوریت دارد ولی اختلاف آراء در میان مفسران به دلایلی ازجمله دقت نظر در مساله سیاق وجود دارد. حوی در ۱۸ مورد با عرضه آراء بر سیاق به رد و پذیرششان پرداخته است

۳-۱۰. جواز ترک امر به معروف ذیل آیه (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ...) (المائده، ۱۰۵)

۳-۱۰-۱. مساله در تفسیر ألأساس

امر به معروف و نهی از منکر که امری واجب است در مواردی، فقها این مساله را واجب

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

نمی‌دانند از جمله زمانیکه اطمینان به عدم تاثیرش داشته باشد. حوی نیز بر این عقیده است که امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به نیکی، مایه هدایت است و هر کس آن را انجام ندهد هدایت را ترک کرده است ولی او نیز با استناد به (المائده، ۱۰۴-۱۰۵) این جواز را پذیرفته است. وی معتقد است اگر به سیاق آیه و آیه ای که قبل از آن آمده بنگریم کلام اینگونه می‌شود: هنگامی که کافران بر تقلید اصرار می‌ورزند و ما آنها را فرا می‌خوانیم و پاسخ نمی‌دهند پس گمراهیشان نزد خدا به ما ضرری نمی‌رساند. (حوی، ۱۵۳۴/۳).

۳-۱۰-۲. مساله در تفاسیر ساختارنگر

در مجموع شش دیدگاه ذکر شده است:

الف: جواز ترک امر به معروف در صورت وجود مفسده (آلوسی، ۴۵/۴)

ب: برخی در این مساله با فقها هم رأیند (مکارم شیرازی، ۱۱۱/۵؛ طبرسی، ۳۹۲/۳؛ ابن‌عاشور، ۲۴۲/۵؛ مراغی، ۴۷/۷؛ فخررازی. ۴۴۹/۱۲؛ رشیدرضا، ۲۱۵/۷؛ زحیلی، ۵۱۱/۱-۵۱۲؛ زمخشری، ۶۸۵/۱-۶۸۶؛ صادقی تهرانی، ۲۶۸/۹)

ج: وجوب امر به معروف و نهی از منکر در هر حالت (دروزه، ۲۴۷/۹-۲۴۹)

د: وجوب امر به معروف (طنطاوی، ۳۲۰/۴)

ح: مخصص‌های امر به معروف و نهی از منکر از این آیه برداشت نمی شود (طباطبایی، ۱۶۹/۶)

و: در عین نبود مخصص در آیه اما جواز ترک امر به معروف در این حالت پذیرفته است (جوادی آملی، ۷۲/۲۴-۷۳).

۳-۱۰-۳. تحلیل مساله

پذیرش و عدم پذیرش این آراء متکی به بررسی سیاق آیات درون و برون سوره است به همین دلیل با دقت در سیاق آیات آراء مذکور ارزیابی می‌شوند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

۳-۱۰-۳-۱. تبیین سیاق آیات و رای منتخب

بر اساس سیاق آیات، آمران به معروف مومنانند و دعوت شوندگانِ به هدایت، مشرکانند که تابع عقاید سلف خود بودند (المائده، ۱۰۴ و ۱۰۵) به همین دلیل چند نکته در راستای این دعوت بیان شد: امر به معروف نباید به‌گونه‌ای باشد که خود را فراموش کنید و هم و غمتان دیگران باشند زیرا تعادل در دعوت و خود مراقبتی لازم است ضمن آنکه شما موظف نیستید که حتما آنان را وارد مسیر هدایت کنید تا کارتان مقبول درگاه الهی گردد بلکه صحیح آن است که آمر به معروف هم خود در مسیر هدایت باشد هم دیگران را دعوت کند ضمنا آمر به معروف باید در مرتبه‌ای از هدایت باشد که فراخوانده‌شدگان نتوانند بر او اثر بگذارند (المائده، ۱۰۵).

بنابراین رای حوی و آنانی که قائل به عدم وجوب امر به معروف در حالت مذکورند با سیاق مناسبت دارد ضمن اینکه آیات (الزخرف، ۸۸-۸۹) نیز این نظر را تصدیق می‌کند.

لازم به ذکر است که سیاق در تفسیر ألأساس کارکردهای دیگری نیز مانند فهم نوع ادوات، کشف محذوف و مقدر و ... نیز دارد که در اینجا به دلیل احتراز از کثرت مطالب، همه آنها نقل و نقد نشده‌اند اما در جدول زیر اهم موارد با ارجاعات ذکر می‌گردند.

جدول کارکردهای سیاق در تفسیر ألأساس و بیان اهم موارد

ردیف	عناوین	آدرس
۱	توسعه و تحدید گستره دلالت الفاظ	حوی، ۱۳۹/۱؛ همانجا، ۱۵۲؛ همانجا، ۱۵۳؛ همانجا، ۱۴۸۱/۳؛ همانجا، ۲۲۳۰/۴؛ همانجا، ۳۱۳۲/۶؛ همانجا، ۵۳۲۹/۹.
۲	فهم خطاب آیه	همانجا، ۱۴۰/۱؛ همانجا، ۱۴۱؛ همانجا، ۱۶۸؛ همانجا، ۲۳۳؛ همانجا، ۴۵۸؛ همانجا، ۹۹۸/۲؛ همانجا، ۳۰۸۳/۶؛ همانجا، ۴۶۳۵/۸.
۳	کشف مراد واژه	همانجا، ۱۰۸/۱؛ همانجا، ۱۴۷؛ همانجا، ۱۴۸؛ همانجا، ۹۹۷/۲؛ همانجا، ۱۰۴۸؛ همانجا، ۱۱۲۷؛ همانجا، ۲۱۵۷/۴؛ همانجا، ۲۱۷۴؛ همانجا، ۲۶۸۵/۵؛ همانجا، ۳۱۹۸/۶؛ همانجا، ۳۴۴۰/۷؛ همانجا، ۳۵۰۷؛ همانجا، ۳۶۳۷؛ همانجا، ۴۵۳۸/۸؛ همانجا،

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

		۶۵۴۶/۱۱؛ همانجا، ۶۶۴۵.
۴	درک اعجاز لغوی و مفهومی	همانجا، ۱۵۰/۱؛ همانجا، ۱۷۱؛ همانجا، ۷۲۴/۲؛ همانجا، ۷۶۲؛ همانجا، ۱۳۵۱/۳؛ همانجا، ۱۳۵۸؛ همانجا، ۱۹۴۳/۴؛ همانجا، ۲۰۳۷؛ همانجا، ۲۹۱۸/۶؛ همانجا، ۳۰۹۷؛ همانجا، ۳۳۵۲/۷؛ همانجا، ۳۵۳۸؛ همانجا، ۴۲۲۱/۸؛ همانجا، ۴۴۲۴؛ همانجا، ۵۳۲۹/۹؛ همانجا، ۵۳۶۵؛ همانجا، ۵۴۱۶؛ همانجا، ۵۶۴۷/۱۰؛ همانجا، ۵۹۷۵؛ همانجا، ۶۱۳۳/۱۱؛ همانجا، ۶۲۰۷؛
۵	کشف ارتباط قصص با غرض و مفاهیم سوره	همانجا، ۱۵۹/۱؛ همانجا، ۱۶۹۵/۳؛ همانجا، ۱۸۸۱/۴؛ همانجا، ۲۴۹۳/۵؛ همانجا، ۲۴۹۴؛ همانجا، ۲۴۹۶؛ همانجا، ۲۴۹۸؛ همانجا، ۲۵۷۵؛ همانجا، ۲۵۹۵؛ همانجا، ۲۸۲۶؛ همانجا، ۲۸۲۷؛ همانجا، ۲۸۸۴/۶؛ همانجا، ۴۳۲۶/۸؛ همانجا، ۴۶۴۵؛ همانجا، ۴۶۷۷؛ همانجا، ۴۶۹۹؛ همانجا، ۵۹۳۰/۱۰؛ همانجا، ۶۰۱۶؛ همانجا، ۶۱۳۹/۱۱؛ همانجا، ۶۵۴۲؛
۶	تبیین مفهوم آیات	همانجا، ۵۰/۱؛ همانجا، ۶۹۹/۲؛ همانجا، ۷۷۴؛ همانجا، ۱۳۵۱/۳؛ همانجا، ۱۸۸۵/۴؛ همانجا، ۲۴۲۴/۵؛ همانجا، ۲۴۵۱؛ همانجا، ۲۸۹۷/۶؛ همانجا، ۲۸۹۸؛ همانجا، ۳۳۶۱/۷؛ همانجا، ۳۳۶۸؛ همانجا، ۴۲۰۵/۸؛ همانجا، ۴۲۳۲؛ همانجا، ۴۸۷۵/۹؛ همانجا، ۴۹۴۰؛ همانجا، ۵۵۲۰/۱۰؛ همانجا، ۵۵۸۱؛ همانجا، ۶۲۳۹/۱۱؛ همانجا، ۶۳۴۲؛ همانجا، ۶۳۵۹
۷	اثبات پیوستگی آیات به-ظاهر گسسته	همانجا، ۱۹۷/۱؛ همانجا، ۱۹۹؛ همانجا، ۳۳۷؛ همانجا، ۵۱۱؛ همانجا، ۵۵۸؛ همانجا، ۶۵۹؛ همانجا، ۸۰۹/۲؛ همانجا، ۱۱۲۳؛ همانجا، ۱۱۳۶؛ همانجا، ۱۳۱۵/۳؛ همانجا، ۱۳۳۰؛ همانجا، ۲۵۵۶/۵؛ همانجا، ۳۰۳۶/۶؛ همانجا، ۴۵۸۵/۸؛
۸	فهم نوع ادوات	همانجا، ۲۱۰/۱؛ همانجا، ۲۱۲؛ همانجا، ۲۴۷؛ همانجا، ۱۶۱۳/۳؛ همانجا، ۶۲۳۹/۱۱؛ همانجا، ۶۶۰۵
۹	رد و پذیرش روایات اسباب نزول	همانجا، ۲۵۷/۱؛ همانجا، ۴۴۴؛ همانجا، ۷۶۲/۲؛ همانجا، ۸۵۶؛ همانجا، ۹۴۲؛ همانجا، ۹۵۸؛ همانجا، ۲۰۶۱/۴؛ همانجا، ۲۱۱۱؛

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

		همانجـا، ۲۲۹۵؛ همانجـا، ۲۴۵۰/۵؛ همانجـا، ۲۵۸۷؛ همانجـا، ۴۰۱۳/۷؛ همانجـــا، ۴۰۱۸؛ همانجـــا، ۴۱۸۸/۸، همانجـــا، ۵۶۷۰/۱۰؛ همانجا، ۵۹۱۱
۱۰	رد و پذیرش آراء	همانجـا، ۱۰۸۵/۲؛ همانجـا، ۱۱۳۳؛ همانجـا، ۱۱۴۱؛ همانجـا، ۱۵۳۳/۳؛ همانجا، ۱۵۴۴؛ همانجـا، ۲۶۳۷/۵؛ همانجـا، ۲۶۳۹؛ همانجـــا، ۲۶۴۳؛ همانجـــا، ۲۶۹۰؛ همانجـــا، ۲۷۱۳؛ همانجـــا، ۳۱۱۶/۶؛ همانجا، ۳۳۶۴/۷؛ همانجا، ۴۶۸۷/۸؛ همانجا، ۴۷۸۶؛ همانجا، ۵۵۱۳/۱۰؛ همانجـا، ۵۶۵۳؛ همانجـا، ۵۹۱۰؛ همانجـا، ۶۲۳۰/۱۱
۱۱	کشف محذوف و مقدر	همانجـا، ۲۶۳۸/۵؛ همانجـا، ۲۶۴۹؛ همانجـا، ۲۷۵۸؛ همانجـا، ۴۰۳۳/۷؛ همانجا، ۶۵۱۳/۱۱
۱۲	فهم مرجع ضمیر	همانجا، ۲۶۴۵/۵؛ همانجا، ۳۷۸۳/۷؛ همانجا، ۴۳۶۷/۸؛ همانجا، ۵۱۶۲/۹

نتایج مقاله

۱. دو موضوع تعداد کارکردها و گونه‌های سیاق در تفسیر ألأساس با تفسیر المیزان کـه از مشهورترین تفاسیر در مساله سیاق است دارای اختلاف عددی در تعداد کاربست‌ها و در موضوع گونه‌ها نیز در برخی موضوعات همچون مکی و مدنی بودن آیات و سور، اختلاف قرائات و دیگر موضوعات توجه نشده است.

۲. محوریت نظر حوی، وحدت موضوع سور، مجموعه‌ها و قرآن است بنـابراین لازمـه این بینش توجه به ساختارشناسی سور و انواع سیاق‌هاست ولـی مفسـر بیشـتر بـه بحـث تناسب آیات همجوار و اثبات محور منتخب هر سوره با آیـات آن سـوره پرداختـه و ایـن باعث محقق نشدن تئوری وی در مرحله عمل شده است

۳. نتایج تحلیل‌های انجام شده نشان از آن دارد که هر چند در برخی موارد آراء حوی در راستای سیاق بوده اما در مواردی نیز به دلیل عدم توجه به ملزومات تفاسیر ساختارنگر

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

و رجحان دادن عقاید و آراء دیگر محققان بر سیاق باعث شده برداشت‌هایش با مبانی تفسیریش سنخیت نداشته باشد.

۴. مفسران ساختارنگری که آرائشان ذکر شد با وجود داشتن وحدت رویکرد برداشت‌های یکسانی از آیات نداشتند که این نشانگر عدم توجه کامل به مساله سیاق در طول تفسیرشان دارد در این پژوهه نشان داده شد در صورت محور بودن سیاق میزان اختلافات تفسیری کاهش می‌یابد و تقریب آراء بیشتر می‌شود.

در مجموع تفسیر ألأساس را می‌توان از جمله تفاسیری به حساب آورد که مفسر هدفش نشان دادن ارتباط آیات و سور به اشکال مختلف بوده ولی به دلیل توجه بسیار به این موضوع که سوره بقره، شارح سوره حمد و دیگر سور شارح سوره بقره است وی را از هدف اصلیش دور کرده است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن‌اثیر، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، تحقیق: محمود محمد طناحی، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش.
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: محمد عبدالسلام هارون، قم: مکتب الأعلام الاسلامی،۱۴۰۴ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۵. ابن‌عاشور، محمدطاهر، تفسیر التحریر و التنویر، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۶. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۷. بستانی، محمود، التفسیر البنایی للقرآن الکریم، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی،۱۴۲۳ق.
۸. بقاعی، ابراهیم بن عمر، نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، تحقیق: عبدالرزاق غالب مهدی، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ سوم، ۱۴۲۷ق.
۹. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ‌های مختلف، ۱۳۹۱-۱۳۹۸ش.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین،۱۳۷۶ق.
۱۱. حوی، سعید، ألأساس فی التفسیر، قاهره: دارالسلام، چاپ ششم، ۱۴۲۴ق.
۱۲. دروزه، محمد عزه، التفسیر الحدیث، بیروت: دارالغرب الإسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۱۴. رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳ش.
۱۵. رشید رضا، محمد، المنار، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۴ق.
۱۶. زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق: علی شیری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۱۷. زحیلی، وهبه، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، دمشق: دارالفکر، چاپ دوم، ۱۴۱۱ق.
۱۸. همو، التفسیر الوسیط؛ دمشق: دارالفکر،۱۴۲۲ق.
۱۹. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، تصحیح: مصطفی حسین احمد، بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق.
۲۰. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم: فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
۲۱. طالقانی، محمود، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۶۲ش.
۲۲. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسهٔ الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح: فضل‌الله یزدی طباطبایی، تهران: ناصرخسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۲۴. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.
۲۵. طنطاوی، محمدسید، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره، نهضة مصر، ۱۹۹۷م.
۲۶. عبدالباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، قاهره: دارالکتب المصریة، چاپ نهم، ۱۳۸۸ش.
۲۷. فخررازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: مکتب تحقیق داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
۲۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۲۹. فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک، ۱۴۱۹ق.
۳۰. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۳۱. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، قم: موسسه دارالهجرة، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

۳۲. قرشی بنابی، علی‌اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، چاپ دوم، ۱۳۷۵ش.
۳۳. قرشی، علی‌اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۱ش.
۳۴. مدرسی، محمدتقی، من هدی القرآن، تهران: دارمحبی الحسین، ۱۴۱۹ق.
۳۵. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت: دارالفکر، بی‌تا.
۳۶. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ دهم، ۱۳۷۱ش.
۳۸. نهاوندی، محمد، نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: موسسة البعثة، مرکز الطباعة و النشر، ۱۳۸۶ش.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]